

## اطلاعیه شماره ۶

کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری

### انشعاب ساختگی

### مازیار رازی و شرکاء از همدیگر

به تازگی چیزی حدود یک صفحه از مازیار رازی و دارودسته اش بیرون آمده مبنی بر انشعاب درون این عده. در این اطلاعیه (گرایش بلشویک لنینیست های ایران) که بهتر است نامش را «اطلاعیه انشعاب یواشکی» گذاشت، به هیچ وجه معلوم نیست که چه کسی یا کسانی «انشعاب» کرده اند و به چه دلیل، اما در حد توان کوشش شده تا به این عده و جبهه ای «دموکراتیک» و آن هم «دموکراتیک کارگری» چسبانده شود. صرف نظر از اینکه این اطلاعیه به نظر بیش تر جنبه ای سروصدا راه انداختن و توجه جلب کردن دارد تا چیز دیگری، اما به نکاتی اشاره شده که ما لازم به پاسخ به آن را دیدیم:

۱- در این اطلاعیه آمده است: «اعتقاد به تشکیلات اخصی به نام حزب پیشتاز انقلابی... که هدف آن چیزی نیست جز هدایت جنبش طبقه کارگر به سوی تسخیر قدرت سیاسی و سرنگونی سیادت بورژوازی.»

به این منظور چهار سال پیش، مازیار رازی ضمن گسترش دادن تعداد افراد خود با آوردن علیرضا بیانی اکثریتی و آرام نوبخت معلوم الحال و عده ای استالینیست راه گم کرده، تصمیم به ساختن «حزب پیشتاز انقلابی» خارج از کشور کرد، بدون هیچگونه پشتوانه‌ی کارگری از داخل که البته مثل همه‌ی کارهای دیگرش، از آنجایی که هدف فرصت طلبی و کیش شخصیت بود و هیچ پشتوانه‌ی انقلابی کارگری از داخل نداشت، طبعاً به شکست انجامید. در آن زمان، به علت پیوستن دو سه نفر جدید به این گروه، مازیار رازی دیگر سر از پا نمی‌شناخت و در نتیجه، در مقابل اعتراضات ما خود مازیار رازی و علیرضا بیانی و آرام نوبخت از هیچگونه فحاشی و دروغ پراکنی در باره‌ی ما فروگذار نکردند. به عبارت دیگر مازیار رازی آماده بود تا برای رسیدن به اهداف شخصی و کیش شخصیت خود ما را زیر پا له کند، دو سه نفری که مشکوک و کاملاً ناشناخته و با کم‌ترین شناخت از تروتسکیزم که - به قول یکی از آن‌ها تنها مطلبی که از تروتسکی خوانده بود بخش‌هایی از «زندگی من» اثر تروتسکی بود- تنها با تأیید مازیار رازی وارد گروه شده و در ظرف کم‌تر از دو ماه به بخش رهبری پیوستند.

۲- در این اطلاعیه باز آمده است: «بانیان گرایش بلشویک-لنینیست‌های ایران از اعضای سابق «گرایش مارکسیست‌های انقلابی ایران» هستند که نه به صرفِ بروز برخی اختلافات تشکیلاتی، که اساساً به دلیل مسدود شدن مجاری و مکانیزم‌های تعریف‌شده برای حل دموکراتیک این اختلافات برخلاف گذشته، ناگزیر شدند مسیر جداگانه خود را در سازماندهی به پوتۀ آزمون بگذارند.» «عمده این «اختلافات» در دو حوزه «سازماندهی» (درک متفاوت از «پیشروی کارگری»، «سبک هسته‌سازی»، «اصول مخفی‌کاری» و...)

حوزه «تشکیلاتی» (درک متفاوت از مکانیزم‌های سانترالیزم دموکراتیک، دیسپلین تشکیلاتی، کنگره، کمیسیون کنترل و...) بوده است.»

به عقیده ما، این اطلاعات به این دلیل بیش تر به یک تبلیغات شباهت دارد تا انشعاب که موارد اختلافات نامبرده، از جمله موارد اختلاف بین ما و مازیار رازی و دارودسته اش بود که در آن زمان، موقعیت مازیار رازی را خدشه دار می کرد. از اینرو در جلسات بحث پیش از انشعاب ما، مازیار رازی و مراد شیرین بارها ضمن حمله به ما ادعا کردند که اساساً انشعاب تنها بر سر مواضع تنوریک پیش می آید و نه در امور تشکیلاتی و سازماندهی و آن ها عملاً در جلسات جلوی وجود هرگونه سانترالیزم دموکراتیک را بستند و به جای آن در راه روی فحاشی های اوباش هایی مانند علیرضا بیانی و آرام نوبخت باز کردند.

۳- در این اطلاعات می خوانیم که: «از سوی دیگر زایش گرایش ما قریب به سه ماه پس از شورش فراگیر و ناگهانی دی ماه ۹۶ فرامی رسد. غافلگیری مارکسیست ها در برابر سیل ناگهانی این اعتراضات مجدداً تأییدی بر این واقعیت بود که بدون سازمان یافتگی قبلی، هرگز نمی توان به امر سازماندهی حتی فکر کرد. دی ماه ۹۶ مجدداً بحران رهبری انقلابی و فوریت حلّ این بحران را گوشزد کرد.»

این شاید تنها بخش منطقی و درست این اطلاعات به نظر آید، اما این هم آشکارا مشخص است که تنها دور تبلیغات این افراد چرخ می زند نه در واقعیت، زیرا که بعد آورده است «از این مرحله به بعد وظیفه ای که برای ما تعریف می شود سه چیز است: تشکیلات و تشکیلات و تشکیلات!» چه تشکیلاتی؟ کجا؟ و با چه کسانی؟ بحث هایی است که البته در این اطلاعات

بی جواب می ماند. مسائلی که لابد از نظر مازیار رازی «درونی» است و به کارگران پیشروی ایران مربوط نمی شود.

۴- این اطلاعیه به دلایلی که در پی می آید، زیر نظر خود مازیار رازی در کمال فرصت طلبی نگاشته شده است، زیرا این اطلاعیه نه تاریخ نگارش دارد و نه اسمی زیر آن آمده است تا مشخص گردد که این انشعابیون چه کسانی هستند. و دقیقاً بر سر چه مسائل تشکیلاتی و سازماندهی اختلاف دارند. تا برای پیشروی کارگری نیز تجربه گردد. ما لذا از روی کنجکاوی به آرشیو تلویزیون مازیار رازی رجوع کردیم و ضمن اینکه مطلبی در باره ی انشعاب نیافتیم به نقطه ی جالبی برخوردیم. این نکته برای ما معمانی را گشود: در آرشیو برنامه های تلویزیونی مازیار رازی برنامه های شماره ی ردیف ۱۸۶ و ۱۹۷ فاقد برنامه بودند. این هم از تاکتیک های اپورتونیستی مازیار رازی است که جای این برنامه را برای روز مبدا باز گذاشته تا چنانچه صدای کسی درآمد، بگوید که ما درباره ی این انشعاب برنامه ضبط کرده بودیم، اما اشتبهاً در یوتویوب نگذاشتیم. بلافاصله برنامه ی آماده ای را که امیدوار بود زیر سبیلی رد کند، مجبور به بالا گذاشتن می شود. از این رو ملاحظه می شود که این انشعاب تا چه اندازه فرصت طلبانه طراحی شده که حتی فاقد تاریخ انشعاب هست. تاریخ را بنا به نیاز همیشه در آینده می توان اضافه کرد.

۵- به عقیده ی ما دلیل این انشعاب تاکتیکی به تبلیغ یاشار آذری در بخش مربوط به نوشته های مازیار رازی در «نشر کارگری سوسیالیستی» در سال پیش برمی گردد. یاشار آذری نوشته های مازیار رازی را در صفحه ی جداگانه ای تحت عنوان «بخشی از کارنامه ی سیاه مازیاری رازی» درآورده و فایل صدای آخرین جلسات ما با مازیار رازی و شرکاء پیش از انشعاب ما و

نیز فایل صدای تراب ثالث در بحث اش در مورد نظر مارکس نسبت به سانسور و آزادی بیان در همان صفحه آپلود کرد، اما این صداها را اکتیو ننمود. ناگفته نماند که ما بدون مناسبت قصد پخش این صداها را نداشتیم مگر اینکه شرایطی لزوم پخش آن ها را ضروری می کرد. مازیار رازی با علم به اینکه این صداها روزی پخش خواهد شد و در واقع از ترس آبروریزی دست به ایجاد تشکیلات جدیدی به نام «گرایش بلشویک لنینیست های ایران» زد، تا آن را در امتداد تشکیلات قبلی پیش ببرد و در آینده با دب دبه و کب کبه هر دو را نیز به هم وصل کند و یا مانند کاری که در گذشته اش کرد، هر دوی این تشکیلات را در تشکیلات سوم ادغام کند. همانطوری که در گذشته هم از این تاکتیکی اپورتونیستی استفاده کرده بود: «جوان سوسیالیست» و «اتحادیه سوسیالیست های انقلابی» به ترتیب در خرداد و مرداد ۱۳۸۵ منحل و به جای آن ها «گرایش مارکسیست های انقلابی» در اردیبهشت ۱۳۸۶ شکل گرفت.

۶- و باز در این اطلاعیه می خوانیم که: «اما وقتی این بیماری به جریانی سرایت می کند که تاریخاً و در سطح بین المللی پرچم مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دمکراسی کارگری و سنن انقلابی بلشویسم را در دست داشته، پس باید با حساسیتی صدچندان به آن پرداخت.»

شگرد به کار رفته در این جمله نه تنها برای گمراه کردن تازه واردان از ماهیت اپورتونیستی و بوروکراتیک استالینیستی مازیار رازی و شرکاء است، بلکه برای لوٹ کردن اهداف کمیسیون «مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری» آورده شده تا خود را پرچمدار این مبارزه ای که به آن اعتقادی ندارند جلوه دهند و به ماهیت این کمیسیون لطمه وارد آورند. این

نوع شگردهای استالینیستی تازگی نداشته و اقتشار پیشرو و آگاه طبقه‌ی کارگر ایران تاکنون به تجربه به ماهیت واقعی این جریان پشت هر نامی پی برده اند. اینان غافل از این اند که ننگ را نمی توان با رنگ پاک کرد و با بکار بردن دو جمله‌ی پرطمطراق، نمی توان تمام لجن پراکنی ها، فحاشی ها و اعمال بوروکراتیک و ضدانقلابی خود را که مازیار رازی و شرکاء جملگی در آن سهیم و شریک هستند از تاریخ گذشته‌ی خود زدود.

۷- به فرض محال، حتی اگر این جریان حاضر به انتقاد صادقانه از گذشته‌ی خود شده و آن را محکوم کند، باز ما به پیشروان کارگری/کمونیستی/سوسیالیستی پیشنهاد داده و درخواست می کنیم که با توجه به مسائل امنیتی خود، از هرگونه همکاری با این جریان به اصطلاح جدید «بلشویک لنینیست های ایران» خودداری نمایند. زیرا در درون این گرایش نیروهای امنیتی از طریق علیرضا بیانی (اکثریتی سابق) جاسازی شده و تمام افراد آن از طریق رژیم مورد شناسائی قرار گرفته اند. لازم به یادآوری نیست که علیرضا بیانی پس از دستگیری و رهائی اش از جائب اطلاعات رژیم در خاوران حضور یافته و حتی از خود ویدئویی هم تهیه نمود که خود دال بر همکاری اش با رژیم جمهوری اسلامی است. از سوی دیگر حضور مازیار رازی در برنامه های «بی بی سی» خود نشانگر اهداف اپورتونیستی مازیار رازی و در نتیجه نیازش به امپریالیست ها و نیز نیاز متقابل امپریالیست ها به جریاناتی مانند جریان مازیار رازی است تا بوسیله‌ی او و افراد گروه اش پیشروان کارگری و انقلابی شناسائی و به هر طریق ممکن منحرف یا سر به نیست شده و به این ترتیب، مانع جوانه زدن و رشد احتمالی هرگونه جنبش کارگری انقلابی گردند: پس از کشته شدن شاهرخ زمانی در زندان، علیرضا

بیانی بلافاصله در رادیو سپهر (به مدیریت خسرو رحیمی توده ای) سوند شرکت کرده و اقرار نمود که حتی در آخرین شب حیات شاهرخ زمانی با او تلفنی در تماس بوده است. لذا مازیار رازی باز هم با استفاده از این روش می تواند کارگران پیشروی در بند را به نفع رژیم وادار به همکاری می کنند. از این رو فعالیت این جریان با کارگران در درون زندان است، نه در محل کار کارگران.

حضور توده ای و اکثریتی در این جریان جاده صاف کن مازیار رازی در ارتباطات اش با رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیزم (بی بی سی) بوده است.

۸- از آنجائی که رهائی طبقه ی کارگر تنها به دست خود طبقه باید صورت بگیرد، لذا کارگران/کمونیست ها/سوسیالیست های انقلابی نمی توانند به هیچ گروه و دسته ای خارج از خود بدون شناخت کافی اعتماد نمایند، به ویژه گروه ها و سازمان های علنی/نیمه علنی و سنتی که ماهیت اشان بر همه روشن است. ما در این راه کوشش کرده ایم تا مورد اطمینان ترین گفتارها و نوشتارها را برای کمک به تدارک انقلاب کارگری سوسیالیستی، در «نشر کارگری سوسیالیستی» (<http://www.nashr.de>) در دسترس علاقمندان قرار دهیم. تا با اطمینان خاطر و دید انتقادی دنبال کنند. این سایت بطور مرتب به روز شده و آماده ی دریافت نظرات و انتقادات علاقمندان می باشد.

نیروهای پیشرو کارگری و انقلابی به خوبی می دانند که موفق ترین تشکیلات آن تشکیلاتی است که مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری و رعایت ساتنرالیزم دموکراتیک را در رأس برنامه اش قرار داده باشد. واضح است که صرفاً آوردن این نکات در بندهای یک برنامه انقلابی کافی نیست بلکه باید در دستور کار روزانه قرار گرفته و با جدیت تمام رعایت

گردد، تا از ایجاد رهبری بوروکراتیک عملاً جلوگیری نماید. کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری از بندهای اصلی برنامه‌ی انقلابی باید باشد تا به نیروهایی که در رهبری قرار ندارند پایگاهی محکم برای دفاع از خود و حقوق خود در یک تشکیلات، نسبت به رهبری بدهد تا رهبری نتواند از دیگر اعضاء استفاده‌ی ابزاری نموده و به سادگی مطالبات آنان را با تحمیل بوروکراسی از بالا پایمال نماید. به همین ترتیب، رعایت اصل ساتنرالیزم دموکراتیک نیز عملاً میسر می‌گردد.

این انشعاب به نظر ما ساختگی، لزوم پخش صداهای جلساتی که افراد «کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری» با مازیار رازی و شرکاء داشتند را بیش از پیش ضروری کرد تا ماهیت بوروکراتیک و ضدانقلابی این جریان با هر نامی بر همه روشن گردد.

آدرس صفحه‌ی فیسبوکی «بخشی از کارنامه‌ی سیاه مازیار رازی»:

<http://www.nashr.de/۲/razi/razi۲.htm>

۸ اوت ۲۰۱۸

۱۷ مرداد ۱۳۹۷